

باز کاوی عنصر روانی در جرایم با مسؤلیت مطلق با تأکید بر جرایم علیه محیط زیست

رضا احدی* - محمدباقر رستگار مهجن آبادی**

دکتر حسن طغرانگار***

چکیده:

یکی از مسائل بسیار مهم در حقوق کیفری، بحث راجع به عنصر روانی مرتکب عمل مجرمانه است. مقرراتی که در باب جرایم با مسؤلیت مطلق در چند دهه اخیر وضع شده است، لزوم وجود عنصر روانی را تحت الشعاع عنصر مادی قرار داده است. در این مقاله به بررسی تطبیقی قوانین وضع شده در حوزه جرایم با مسؤلیت مطلق و همچنین نظرات حقوق دانان در این زمینه و نیز بررسی جرایم علیه محیط زیست و نوع مسؤلیت مرتکب پرداخته شده است؛ بنابراین، می توان این سؤال را مطرح کرد که آیا جرایم با مسؤلیت مطلق نیز دارای عنصر روانی هستند و فقط نیاز به اثبات ندارند یا اینکه این گونه جرایم اصولاً با سایر جرایم در بحث از عنصر روانی متفاوتند و فاقد عنصر روانی برای مسؤلیت مرتکب اند و تنها با وجود عنصر قانونی و مادی ارتکاب می یابند؟ از طرفی جرایم محیط زیست نیز شامل این قاعده می گردد یا خیر و همچنین مسؤلیت مرتکب در این گونه جرایم بر چه اساسی است؟ نتیجه نشان می دهد که جرایم با مسؤلیت مطلق نیز دارای عنصر روانی هستند و فقط نیاز به اثبات ندارند؛ بنابراین، این جرایم نیز همچون دیگر جرایم از سه عنصر قانونی، مادی و روانی برخوردار می باشند. از طرفی جرایم محیط زیستی نیز به صورت عمدی و در برخی موارد، به شکل غیر عمدی ارتکاب می یابند که با توجه به اهمیت این حوزه، باید برای مرتکب مسؤلیت مطلق در نظر گرفت.

مجله پژوهشهای حقوقی (فصلنامه علمی - ترویجی) شماره ۴۳، پائیز ۱۳۹۹
صفحه ۷۱-۹۹ تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۲۹

- * دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران، نویسنده مسئول
Email: rezaahadi8686@gmail.com
- ** دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق، گرایش حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران
Email: rastegar.mahjanabadi@gmail.com
- *** استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران
Email: hasantz@znu.ac.ir

کلیدواژه‌ها:

مسئولیت مطلق****، عنصر روانی****، عنصر مادی*****، قابلیت انتساب
 *****، جرم مادی صرف*****، محیط‌زیست*****.

مقدمه

بحث از عناصر تشکیل‌دهنده جرم و ارائه تعریفی جامع و کامل از آن در حقوق کیفری از دیرباز تاکنون مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران حقوق بوده است. در این میان عنصر روانی که مربوط به حالت ذهنی مرتکب می‌شود از اهمیت زیادی برای انتساب عمل انجام‌شده به مرتکب برخوردار است.

در جرایم عمدی، عنصر روانی متشکل از قصد مجرمانه و اراده ارتکاب فعل مجرمانه می‌باشد و در جرایم غیرعمدی عنصر روانی متشکل از خطای جزایی و مسئولیت جزایی است.^۱ به‌نظر بعضی از حقوق‌دانان جرایم عمدی جرایمی هستند که مجرم با قصد منجر مجرمانه یعنی با تمایل و خواستن انجام عملی که قانون آن را منع کرده است و یا ترک عملی که به‌موجب قانون ممنوع شده بدان مبادرت می‌ورزد. در جرایم غیرعمدی غالباً یک خطای جزایی را به‌عنوان عنصر روانی این جرایم قلمداد می‌کنند.^۲ بعضی از حقوق‌دانان نیز معتقدند عنصر روانی جرایم عمدی متشکل از علم، آگاهی و اراده بوده و عنصر روانی جرایم غیرعمدی تقصیر یا خطای جزایی می‌باشد.^۳ تعریف اخیرالذکر قابل قبول‌تر به‌نظر می‌رسد؛ بنابراین، در جرایم اعم از عمدی و غیرعمدی عنصر روانی وجود دارد، حتی در جرایم غیرعمدی نیز خطای جزایی تشکیل‌دهنده عنصر روانی است.

اما، درمورد جرایم با مسئولیت مطلق، وضعیت کمی متفاوت‌تر است. در این جرایم، عقیده بر این است که به‌صرف انجام عمل مادی، مرتکب قابل مجازات است و این به‌دلیل ارتباط نزدیکی است که بین عنصر روانی و عنصر مادی جرم با مسئولیت مطلق وجود دارد. در حقوق

**** Strict Liability

***** Mens Rea

***** Actus Reus

***** Imputability

***** Strict Liability Offence

***** The Environment

۱. پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۱)، جلد اول، ۲۶۶-۲۶۵.

۲. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰)، چاپ ۲۹، ۱۷۷-۱۷۶.

۳. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸)، جلد اول، ۲۴۵-۲۳۳.

کامن^۴ این عقیده وجود دارد که جرایم با مسئولیت مطلق بدون هیچ‌گونه عنصر روانی و با انجام دادن یک جنبه از عنصر مادی قابل ارتکاب هستند.^۵ اما باید دید که این نظر تا چه حد صحیح است؛ بنابراین، مسئله مهمی که در اینجا باید به آن پرداخت بررسی عنصر روانی در این جرایم است و اینکه، اصولاً عنصر روانی در این جرایم از چه قاعده‌ای پیروی می‌کند. آیا در جرایم با مسئولیت مطلق، عنصر روانی وجود دارد فقط نیاز به اثبات آن نیست و یا اساساً این‌گونه جرایم بدون عنصر روانی و تنها با عنصر قانونی و مادی ارتکاب می‌یابند؟ اگر عنصر روانی در این‌گونه جرایم وجود دارد تأثیر عوامل رافع مسئولیت کیفری و عوامل موجهه در مسئولیت مرتکب چگونه است؟ در صورتی که ارتکاب این جرایم بدون عنصر روانی باشد، آیا انجام یک عمل مادی صرف می‌تواند با ضمانت‌اجراهای کیفری پاسخ داده شود؟ مسئولیت معاون در جرم به چه صورتی خواهد بود؟ در این مقاله ابتدا به بررسی فلسفه به‌وجود آمدن جرایم با مسئولیت مطلق و نیز مستند قانونی این نوع جرایم می‌پردازیم، سپس به مقایسه این جرم با سایر جرایم (اعم از عمدی و غیرعمدی) خواهیم پرداخت. از طرفی تأثیر عوامل رافع مسئولیت کیفری و عوامل موجهه جرم را در جرایم با مسئولیت مطلق و نیز لزوم یا عدم‌لزوم، وجود عنصر روانی در این‌گونه جرایم و شکلی یا ماهوی بودن این نوع مسئولیت مورد بررسی قرار خواهیم داد. در آخر نگاهی به جرایم علیه محیط‌زیست و عناصر تشکیل‌دهنده این نوع جرایم، به‌خصوص در بحث از عنصر روانی خواهیم داشت.

۱- فلسفه وضع جرایم با مسئولیت مطلق

با نگاهی کوتاه به دوره‌های گذشته و جوامع مختلف بشری، شیوه برخورد با بزه و بزهکاری چندین مرحله مختلف را سپری کرده است. در قوانین وضعی تا اواخر قرن ۱۸ میلادی، نسبت به بزهکار موضع سخت و ظالمانه‌ای اتخاذ می‌شد و مجازات‌ها بر مبالغه و ایجاد وحشت و انتقام‌گیری استوار بود؛ مانند انسان زنده، اموات و حتی حیوانات و جمادات نیز مسئول و شایسته مجازات بودند. همان‌طور که انسان زنده با احساس و تفکر به تحمل مجازات محکوم می‌شد، جسد اموات هم که فاقد احساس درد و از دنیای تفکر و عقل خارج بودند، به تحمل

۴. جهت مطالعه تطبیقی با حقوق سایر کشورها و خصوصاً دو نظام حقوقی کامن‌لا و رومی - ژرمنی، از دیدگاه‌های حقوقی انگلیس به‌عنوان مصداقی از نظام حقوقی کامن‌لا و نیز از حقوق کشورهای فرانسه و آلمان به‌عنوان مصادیقی از نظام حقوقی رومی - ژرمنی استفاده گردیده است.

5. Cathrine Elliott and Frances Quinn, *Criminal Law* (Tehran: Mizan, 2006), 28.

کیفر محکوم می‌شدند و حتی حیوان زبان‌بسته‌ای که در مورد جرم ارتکابی‌اش قادر به تفکر نبود و نمی‌توانست از خود دفاع کند، محکوم می‌شد.^۶ ولی به تدریج این نوع طرز تفکر و شیوه برخورد با بزهدکار دچار دگرگونی‌های اساسی شد. حتی با ظهور مکتب تحقیقی مطالعات بر روی فرد و همچنین انگیزه مرتکب، محور اساسی مطالعات قرار گرفت. تنها انسان دارای قوه تعقل و اراده مشمول حقوق جزا قرار گرفت و این به یک اصل اساسی تبدیل شد که هنوز هم یکی از اصول مهم و خدشه‌ناپذیر دادرسی کیفری محسوب می‌شود.

با وجود این، بعد از قرن نوزدهم، به دنبال انقلاب صنعتی، فعالیت‌های صنعتی و تجاری افزایش یافته و این امر علاوه بر اینکه موجب بروز جرایم در سطح جامعه از طرف مراکز صنعتی و تجاری گردید، بلکه تهدیدی جدی نسبت به محیط‌زیست، سلامت افراد و بهداشت عمومی قلمداد شد که این عوامل باعث شد تا قانونگذاران برای پیشگیری از خطرات ناشی از انجام فعالیت‌های مذکور به تصویب قوانین سخت‌گیرانه‌تری در حوزه‌های جدید از قبیل بهداشت عمومی، امنیت و رفاه پردازند^۷، چراکه برخورد سنتی با مرتکبان این‌گونه جرایم بسیار دشوار و زمان‌بر بود. گسترش روزافزون فعالیت‌های تجاری و صنعتی و به تبع ارتکاب جرایم جدیدی که در این حوزه‌ها ارتکاب می‌یافت و دشواری اثبات عمد یا تقصیر مرتکب در این فعالیت‌ها، سیاست کیفری را بر آن داشت تا از پذیرش فرض مجرمیت توسط بزهدکار، به عنوان یکی از روش‌های مقابله با بزهدکاری استفاده نماید.^۸ با نگاهی به مواردی که در ابتدا به عنوان جرایم با مسئولیت مطلق شناخته می‌شدند، به خوبی مشخص می‌گردد که اکثر این موارد تخلفات صنفی و تجاری بودند که برای مرتکب مسئولیت مدنی ایجاد می‌کردند. با وجود این، اثرات سریع و گسترده‌ای که این‌گونه فعالیت‌ها در اجتماع و محیط‌زیست و در نتیجه بر سلامت افراد و به طور کلی بهداشت عمومی داشت، برخورد سنتی با این‌گونه جرایم بسیار دشوار و ناکارآمد انجام می‌شد. در بسیاری از جرایم با مسئولیت مطلق، بسیار مشکل است که بتوان عنصر روانی را اثبات کرد و این امر باعث می‌شود که مرتکبان این‌گونه

۶. عبدالقادر عوده، بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلام و قوانین عرفی (مجازات‌ها و اقسام آن)، ترجمه حسن فرهودی‌نیا (تهران: نشر یادآوران، ۱۳۹۰)، جلد دوم، ۲۲-۲۱.

۷. کریستوفر کلارکسون، تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، ترجمه حسین میرمحمد صادقی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰)، ۲۱۴.

۸. حسین غلامی، «سیاست کیفری سخت‌گیرانه»، فصلنامه دانش انتظامی ۴ (۱۳۸۴)، ۹۸.

جرایم از محکومیت فرار کنند؛ بنابراین با ایجاد مسئولیت مطلق برای برخی جرایم که لزومی به اثبات عنصر روانی در آنها نباشد، می‌توان از بروز مشکلات رسیدگی به صورت سنتی جلوگیری نمود.

۲- مستند قانونی مسئولیت مطلق

جرایم با مسئولیت مطلق از قرن نوزده میلادی وارد حقوق جزا شد. در انگلستان جرایمی که به‌عنوان جرایم با مسئولیت مطلق شناخته می‌شوند، جرایم مربوط به تهیه مواد غذایی، حمل غیرمجاز سلاح، مواد مخدر، رانندگی در حال مستی، رانندگی با سرعت غیرمجاز و ... هستند که به‌موجب قانون به‌وجود آمده‌اند. اما در هیچ‌یک از متون قانونی عبارت صریحی مبنی بر اینکه این جرایم، جرایم با مسئولیت مطلق هستند، وجود ندارد و قضات و در برخی موارد نیز مجلس اعیان^{۱۱} این‌گونه جرایم را جرم با مسئولیت مطلق تفسیر کرده‌اند.^{۱۱} در حقوق فرانسه نیز مطلق بودن مسئولیت در متون قانونی ذکر نشده است. با وجود این، دیوان عالی این کشور از سال ۱۸۴۳ به بعد، مسئولیت مطلق را به‌عنوان مسئله تخلفات توسعه‌یافته به‌موجب قانون ۱۸۱۰، به‌عنوان معیاری برای این نوع مسئولیت به‌کار می‌برد. البته این امر در صورتی است که در گفته قانونگذار شرط بی‌احتیاطی یا عمد برای ایجاد یک جرم وجود نداشته باشد.^{۱۲}

قانونگذار ایران نیز با وجود اینکه اصل بر عمدی بودن جرایم است، در مواردی از واژه‌های «عالمًا، عامدًا و به قصد»^{۱۳} و همچنین در جرایم غیرعمدی نیز از واژه‌های «بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، سهواً و ...»^{۱۴} نام برده است. ولی با وجود این در اکثر جرایم، این‌گونه صریح حالات روانی مرتکب را بیان نمی‌کند و فقط به تعریف جرم یا صور مختلف ارتکاب جرم و

۹. امیر سماواتی پیروز، «تأملی بر جرایم با مسئولیت مطلق در حقوق انگلستان»، *مجله اصلاح و تربیت* ۵۵ (۱۳۸۵)، ۳۰.

۱۰. به‌طور مثال: در پرونده (Breed علیه Smedlys) (۱۹۷۴) که در داخل قوطی کنسرو تولیدی یک کمپانی مواد غذایی یک کرم رؤیت شده بود، مجلس اعیان این جرم را یکی از جرایم با مسئولیت مطلق برشمرد.

۱۱. یاسین صعیدی، «نگاهی کوتاه به مسئولیت کیفری مطلق در حقوق کیفری انگلستان»، *حقوق: گواه* ۱۳ (۱۳۸۷)، ۱۳۰-۱۳۹.

12. John Bell, Sophie Boyron and Simon Whittaker, *Principles of French Law* (Tehran: Nashre Dadgostar, 1380), 228.

۱۳. در این خصوص می‌توان به «بند الف و ب ماده ۲۹۰ و مواد ۲۹۸-۲۹۶» قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد.

۱۴. در مواد ۷۱۴-۶۱۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) این نوع عبارات به‌کار رفته است.

مجازات می‌پردازد. از طرفی در جرایم عمدی، اثبات وجود قصد مجرمانه متهم و همچنین در جرایم غیرعمدی اثبات تقصیر یا بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی متهم در ارتکاب جرم از تکالیف مرجع قضایی دادرسا و یا دادگاه برحسب مورد است و در این قبیل موارد متهم تکلیفی در اثبات بی‌گناهی خود ندارد^{۱۵} که این امر یکی از اصول اساسی در دادرسی‌های کیفری محسوب می‌شود که خود ریشه در اصل براءت دارد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در مواد^{۱۶} (۱۴۴) و^{۱۷} (۱۴۵)، صراحتاً احراز علم و قصد مرتکب را در جرایم عمدی و همچنین احراز تقصیر^{۱۸} را در جرایم غیرعمدی تکلیف نموده است. اما با وجود این در هیچ جای قانون به مسئولیت مطلق برای اشخاص، مقرر قانونی وجود ندارد. با نگاهی در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ و قوانین مصوب پس از انقلاب، هیچ‌گونه عبارت یا کلمه‌ای که بیان‌گر مسئولیت مطلق برای مرتکب باشد، وجود ندارد. با این همه، چه در زمان حاکمیت قانون مجازات عمومی و چه در قوانین دیگر حقوق‌دانان برخی از مقرره‌های قانونی را از جمله جرایم با مسئولیت مطلق ذکر کرده‌اند. دکتر صانعی ماده (۲۱۱)^{۱۹} قانون مجازات عمومی را جرم با مسئولیت مطلق بیان داشته‌اند. از طرفی صدور چک بلامحل مورد دیگری است که حقوق‌دانان آن را در زمره جرایم با مسئولیت مطلق ذکر کرده‌اند. همچنین جرم موضوع ماده

۱۵. ایرج گلدوزیان، *ادله اثبات دعوا* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴)، ۲۰.

۱۶. ماده ۱۴۴ ق.م.ا: «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد...»

۱۷. ماده ۱۴۵ ق.م.ا: «تحقق جرایم غیرعمدی، منوط به احراز تقصیر مرتکب است...» و بر اساس تبصره این ماده: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود.»

۱۸. در مورد تقصیر در جرایم غیرعمدی (اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی) یکی از حقوق‌دانان معتقد است که: «باید توجه داشت که بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی عنصر مادی جرم غیرعمدی است و نه عنصر روانی آن، ولی از عنصر مادی جرم مزبور پی به عنصر معنوی «کوتاهی در تفکر» می‌بریم.» منصور رحمدل، *بار اثبات در امور کیفری* (تهران: نشر سمت، ۱۳۸۷)، ۳۷. این عقیده در مقابل نظرانی است که تقصیر یا خطای کیفری را عنصر روانی جرایم غیرعمدی می‌دانند. محمدعلی اردبیلی، *حقوق جزای عمومی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳)، جلد اول، چاپ ۳۴، ۳۵۳.

۱۹. ماده ۲۱۱ قانون مجازات عمومی چنین مقرر داشته بود: «اشخاص ذیل به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال و به تأدیه غرامت از ۲۵۰ الی ۵۰۰۰ ریال محکوم می‌شوند: ۱- کسی که عادتاً جوان کمتر از ۱۸ سال تمام را اعم از ذکور و اناث به فساد اخلاق و یا شهوت‌رانی تشویق کند و یا فساد اخلاق و یا شهوت‌رانی آنها را تسهیل نماید...» ماده ۶۳۹ در قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵، جانشین این ماده گردیده است.

(۷۹) قانون کار مصوب ۲۹ آبان ۱۳۶۹ که گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام را در کارهای عادی به قید جریمه نقدی و در صورت تکرار مجازات حبس جرم شناخته است، نیز جزو جرایم با مسئولیت مطلق بیان شده است^{۲۰}؛ بنابراین، در مورد این جرایم هیچ‌گونه عبارت یا کلمه‌ای که در لسان قانونگذار صراحتاً و یا تلویحاً دال بر مطلق بودن مسئولیت برای مرتکب باشد، وجود ندارد؛ اما حقوق دانان با استدلال‌ات خود پاره‌ای از جرایم را در زمره جرایم با مسئولیت مطلق ذکر کرده‌اند.

۳- عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق

عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق را به‌طور کلی می‌توان به دو صورت موردبررسی قرار داد. نخست آنکه، در این جرایم نیز مرتکب مانند سایر جرایم از عنصر روانی برخوردار است، ولی بنا به نوع خاص این‌گونه جرایم از سوی مقام تعقیب نیاز به اثبات ندارد؛ و دوم اینکه، مرتکب در این جرایم برخلاف سایر جرایم فاقد عنصر روانی است و فقط ملاک رسیدگی در این‌گونه جرایم، اثبات ارتکاب عنصر مادی توسط وی است. با وجود این، نظرات مختلفی در مورد عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق ابراز شده است. طبق یک نظر که مبتنی بر صدور چک بلامحل^{۲۱} بیان شده است، «فعل مرتکب توأم با سوءنیت یعنی قصد وارد آوردن ضرر به دیگری فرض خواهد شد»، از طرفی در ادامه چنین بیان شده است: «بار دیگر لزومی به احراز یا اثبات سوءنیت مرتکب نیست ...»^{۲۲} همچنین بر اساس نظر دیگری که طبق ماده (۲۱۱) قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، راجع به تشویق افراد به فساد اخلاق و شهوت‌رانی است، چنین بیان شده که: «در این ماده (۲۱۱)، وقتی تشویق به فساد اخلاق و یا شهوت‌رانی به‌صورت عادت مصداق پیدا کرد، دیگر احتیاجی به اثبات «سوءنیت» و قصد مجرمانه نیست و قانونگذار مسئولیت را مفروض شناخته است.»^{۲۳}

از بررسی نظرات مذکور و همچنین دیگر نظراتی که در برخی از کتاب‌های جزایی بیان

۲۰. خلیل قبله‌ای و حیدر فرهمندفر، «بررسی مسئولیت مطلق در حقوق کیفری»، دیدگاه‌های حقوق قضایی ۵۱ و ۵۲ (۱۳۸۹)، ۱۳۱.

۲۱. به عقیده حقوق دانان ایران جرم صدور چک بلامحل از جمله جرایم با مسئولیت مطلق (مادی صرف) می‌باشد. نک: اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ۱۳۸۸، پیشین، ۲۳۹؛ حسین میرمحمد صادقی، حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت) (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹)، ۱۶۳.

۲۲. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ۱۳۸۸، پیشین، ۳۴۴.

۲۳. صانعی، حقوق جزای عمومی، پیشین، ۲۶۷.

شده است، به نظر می‌رسد که حقوق دانان ایرانی در رابطه با عنصر روانی جرایم با مسئولیت مطلق موضع خاصی را در پیش نگرفته‌اند و در استدلالات خود لزوم وجود عنصر روانی و یا عدم لزوم وجود عنصر روانی را با هم یکی دانسته‌اند. به عبارتی دیگر، همان‌طور که برخی از حقوق دانان عقیده دارند که جرایم ممکن است با دو، سه یا چهار عنصر ارتکاب یابند^{۲۴}، مشخص نکرده‌اند که جرایم با مسئولیت مطلق با وجود دو عنصر قانونی و مادی ارتکاب می‌یابند و یا اینکه این جرایم طبق قاعده کلی با وجود سه عنصر قانونی، مادی و روانی انجام می‌شوند؟ در حقوق کامن‌لا عقیده بر این است که جرایم با مسئولیت مطلق با ارتکاب دست‌کم یک جنبه از عنصر مادی و بدون عنصر روانی قابل تحقق است.^{۲۵} بعضی از حقوق دانان کامن‌لا بر این عقیده‌اند که به دلیل اینکه چنین جرایمی کم‌اهمیت هستند، عنصر روانی در آن مفروض انگاشته شده و نیاز به اثبات نیست، از جمله این جرایم می‌توان به توقف غیرمجاز وسایل نقلیه و جرایم مربوط به آلودگی اشاره کرد. تقریباً برای همه جرایم کیفری بایستی یک حالت ذهنی به اثبات برسد اما در رابطه با جرایم با مسئولیت مطلق، آنچه ضروری است اینکه، اثبات شود متهم به‌نحو خاصی عمل کرده است، به‌عنوان نمونه می‌توان به رانندگی با سرعت غیرمجاز اشاره نمود.^{۲۶} آنچه در جرم اخیرالذکر قابل توجه است اینکه، برای دادستانی امکان‌پذیر نیست که اثبات کند راننده می‌دانسته با چه سرعتی در حال حرکت است. از طرفی، به‌خاطر کم‌اهمیت بودن جرم، بدنامی چندانی متوجه محکومیت برای رانندگی با سرعت غیرمجاز نمی‌باشد؛ بنابراین، نسبت به فرد اخلاقاً بی‌گناهی که محکوم شده، خطای کمتری انجام گرفته است. از طرف دیگر، راننده محتاط، می‌تواند اطمینان حاصل کند که سرعت، قانونی است.^{۲۷}

در رویه قضایی انگلستان بر اساس حکم مجلس اعیان، در اختیار داشتن مواد مخدر جرمی مطلق است. این جرم مستلزم اثبات این است که متهم اطلاع داشته است که چیزی را در اختیار دارد (که در حقیقت ماده مخدر بود) اما مستلزم اثبات این نیست که او دانسته باشد که آن چیز ماده مخدر بوده است. در جایی که ماده مخدر در ظرفی قرار دارد، در اختیار

۲۴. علی جوزی، جاوید جعفرپور و فرشاد شعاریان، *حقوق محیط‌زیست* (تهران: نشر علم کشاورزی ایران، ۱۳۸۹)، ۵۱.

25. Elliott and Quinn, op.cit. 28.

۲۶. جاناتان هرینگ، *مبانی حقوق کیفری انگلستان*، ترجمه امیر اعتمادی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲)، ۱۳-۱۲.

۲۷. همان، ۳۰-۲۹.

داشتن ظرف، استنباط در اختیار داشتن محتویات آن را ممکن می‌کند. متهم می‌تواند با اثبات اینکه نسبت به ماهیت (نه فقط کیفیت) محتویات در اشتباه بوده است و اینکه به‌عنوان یک پیش‌خدمت یا امین، حق باز کردن ظرف را نداشته و برای اینکه شک کند که ظرف حاوی مواد مخدر است، دلیلی ندارد یا اینکه به‌عنوان مالک، این بسته را با حسن نیت دریافت کرده و هیچ فرصت معقولی برای اطمینان از ماهیت محتویات نداشته است، این استنباط را دگرگون کند.^{۲۸} در دعوی کاندی علیه ل کک^{۲۹} در سال ۱۸۸۴ فروشگاه‌های دارای مجوز مشروبات الکلی، به فروش مشروب به شخص مست متهم شد، درحالی‌که نه خود او و نه مستخدمین وی دریافته‌اند که آن شخص مست بوده است. او بر اساس مسئولیت مطلق محکوم شد و پژوهش‌خواهی کرد. دادگاه پژوهشی با رد اعتراضات پژوهشی، عنوان کرد که در قانون صدور جواز کسب محل فروش مشروبات الکلی، عبارت «آگاهانه» به‌کار نرفته است. این دلیل محکمی مبنی بر این قصد است که جرم از جرایم مطلق می‌باشد.^{۳۰}

یکی از پرونده‌های مهم دیگری که در این رابطه وجود دارد، پرونده حکومت علیه جی^{۳۱} بوده است. جایی که دختری به مرد جوانی گفت که پانزده سال سن دارد، درحالی‌که درحقیقت، دوازده‌ساله بود. آنها با یکدیگر رابطه جنسی برقرار کردند. مرد به جرم تجاوز جنسی به دختر زیر سیزده سال متهم شد. دفاع او مبنی بر اینکه اعتقاد داشته دختر پانزده‌ساله بوده است، مؤثر نیفتاد؛ چراکه جرم از لحاظ سن بزه‌دیده، مادی صرف بود. تمام آنچه که نیاز بود اثبات شود، عبارت بود از اینکه مرد قصد داشته است به‌لحاظ جنسی در بزه‌دیده دخول کند.^{۳۲} اهمیت لزوم یا عدم‌لزوم عنصر روانی، در شکل‌گیری جرایم با مسئولیت مطلق بدین‌لحاظ است که اگر ارتکاب این جرایم را بدون عنصر روانی و فقط با وجود دو عنصر قانونی و مادی در نظر بگیریم، عوامل رافع و عوامل موجهه جرم نمی‌تواند در مسئولیت مرتکب اثری داشته باشد. اما در صورتی که ارتکاب جرایم با مسئولیت مطلق را با وجود هر سه عنصر قانونی، مادی و روانی بدانیم که با انتساب عنصر مادی به مرتکب دیگر نیازی به اثبات عنصر روانی وی نباشد، عوامل مذکور در مسئولیت مرتکب در صورت اثبات مؤثر خواهد بود.

۲۸. پنی چایلدز، *گزیده رویه قضایی انگلستان در امور کیفری*، ترجمه آوا واحدی نوایی (تهران: نشر میزان،

۱۳۸۸)، ۶۶-۶۵

29. Cundy v Le Cocq

۳۰. چایلدز، پیشین، ۶۷-۶۶.

31. R v G

۳۲. هرینگ، پیشین، ۳۰-۲۹.

در زیر به بررسی هر یک از این دو نظر خواهیم پرداخت.

۳-۱- لزوم وجود عنصر روانی بدون نیاز به اثبات

برای تحقق جرم لازم است که سه عنصر قانونی، مادی و روانی وجود داشته باشد. عنصر قانونی که بیان‌گر تعریف، شرایط و اوصاف جرم است، توسط قانونگذار وضع می‌گردد. عنصر مادی نیز به بیان نوع رفتاری که از طرف قانونگذار منع شده است می‌پردازد که می‌تواند فعل یا ترک فعل و یا حتی حالتی باشد. ولی با وجود این صرف انجام یک عمل مجرمانه به تنهایی قابل مجازات نیست. بلکه لازم است، فعل یا ترک فعل و یا حالت مذکور همراه با عنصر روانی لازم انجام پذیرد. در واقع «باید میان عمل و شخص عامل رابطه روان (یا رابطه اراده) موجود باشد که آن را عنصر روانی می‌نامند.»^{۳۳} ارتکاب یک عمل مجرمانه همیشه قابل مجازات نیست. در برخی موارد ممکن است به دلیل فقدان قصد و یا اختلال در اراده مرتکب، وی فاقد مسئولیت باشد. از طرفی ارتکاب جرایم (اعم از عمدی و غیرعمدی)، لزوماً با عنصر روانی صورت می‌پذیرد. لزوم وجود عنصر روانی برای مسئولیت و مجازات فرد در جرایم عمدی و غیرعمدی چه در حقوق جزای عرفی و چه در حقوق اسلامی که از چهارده قرن قبل آن را بیان داشته‌اند^{۳۴}، از اهمیت خاصی برخوردار است.^{۳۵} این اهمیت به دلیل پاسخ‌های حقوق کیفری به اعمال و افعال مخالف قانون و مقررات جزاست که از ماهیتی سرکوبگر و خشن برخوردار است؛ بنابراین، برخلاف تخلفات مدنی، در حقوق کیفری عنصر روانی از اهمیت زیادی برخوردار است. در جرایم عمدی، قصد مجرمانه عبارت از تمایل و توجه آگاهانه مجرم، به ارتکاب عمل مجرمانه برای حصول نتیجه حاصل از آن است.^{۳۶} از طرفی، در جرایم عمدی

۳۳. ایرج گلدوزیان، *حقوق جزای عمومی/ایران* (تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد، ۱۳۷۲)، جلد

دوم، ۹۵.

۳۴. یکی از دلایل مهم در زمینه مسئولیت در اسلام حدیثی از پیامبر اسلام است که به حدیث رفع مشهور است. پیامبر (ص) در این حدیث فرموده است: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ، عَنِ الصَّبِيِّ حَتَّى يَحْتَلِمَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُبْقِيَ وَ عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ.» در این حدیث شریف پیامبر اسلام (ص)، سه دسته از مردم را فاقد مسئولیت و تکلیف شناخته‌اند:

۱- کودکی که هنوز به سن بلوغ نرسیده است؛

۲- دیوانه‌ای که هنوز هوشیار نگردیده است؛

۳- شخص خواب که هنوز بیدار نشده است.

۳۵. علیرضا فیض، *تطبیق در حقوق جزای عمومی/اسلام* (تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹)، ۱۶۷.

۳۶. محمدصالح ولیدی، *حقوق جزای عمومی* (تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۲)، جلد دوم، ۲۸۲.

خواستن و اراده آگاهانه مرتکب نسبت به انجام عمل مجرمانه باید ثابت شود تا بتوان مسئولیت عمل انجام شده را بر وی بار کرد. در جرایم غیر عمدی، خطای جزایی جایگزین قصد مجرمانه مرتکب می‌شود. عنصر روانی مرتکب در جرایم غیر عمدی به گونه‌ای دیگر تحقق می‌یابد و مرتکب باید از نظر روانی، «در اجرای عمل به نحوی از انحاء و بی‌آنکه قصد منجزی برای ارتکاب بزه از او سر بزند، خطایی انجام دهد که بتوان وی را مستحق مسئولیت جزایی (در صورت وجود این مسئولیت) شناخت.»^{۳۷} در جرایم غیر عمدی نیز خطا و تقصیر مرتکب که عنصر روانی این گونه جرایم را تشکیل می‌دهد، باید ثابت شود تا بتوان مسئولیت عمل انجام شده را بر وی بار کرد. اما در مورد جرایم با مسئولیت مطلق، با توجه به فلسفه وضع این گونه جرایم صحبت از عنصر روانی متفاوت‌تر از سایر جرایم است. برخورد قاطع با جرایمی که به عنوان جرایم با مسئولیت مطلق شناخته می‌شوند، شناخت و توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. از طرفی اعمالی که برای آنها مسئولیت مطلق در نظر گرفته می‌شود با عنوان جرم و در حوزه حقوق جزا قرار می‌گیرند. پس باید طبق اصول و قواعد حقوق جزا نیز تفسیر و تحلیل شوند. بر همین اساس، ابتدا تعریفی از جرم ارائه می‌کنیم و سپس به بررسی جرایم با مسئولیت مطلق بر اساس موازین حقوق جزا می‌پردازیم.

جرم، فعل یا ترک فعلی است که از سوی یک انسان ارتکاب می‌یابد و به دلیل اخلال در نظم اجتماعی، جامعه با وضع پاسخ‌های کیفری آن را منع کرده است.^{۳۸} بنابراین، جرم یک واقعیتی است که فقط از سوی انسان قابل ارتکاب است. همچنین انسانی که دارای اراده و قوه ادراک باشد. از طرفی، فعل یا ترک فعل ممنوع را قانونگذار مشخص می‌نماید و تا زمانی که فعل یا ترک فعلی توسط قانونگذار منع نشده باشد، قابل مجازات نیست. اعمالی که به عنوان جرایم با مسئولیت مطلق شناخته می‌شوند، نیز یک واقعیت انسانی است که در سطح جامعه ارتکاب می‌یابد، انسانی که دارای اراده و قوه ادراک است. از طرفی مرتکب در سایر جرایم (اعم از عمدی و غیر عمدی)، باید اراده و اختیار انجام عمل را همراه با سوءنیت و یا خطای جزایی در زمان ارتکاب جرم داشته باشد. در مورد جرایم با مسئولیت مطلق نیز مرتکب در زمان ارتکاب جرم، قطعاً باید از روی اراده عمل را انجام داده باشد؛ بنابراین انجام عمل بدون اراده (که بتوان مسئولیت جزایی آن را به مرتکب منتسب کرد)، قابل تصور نیست. در مواقعی

۳۷. رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی (تهران: نشر کانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۷۵)، چاپ دوم،

۱۸۷.

۳۸. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ۱۳۸۸، پیشین، ۲۵.

هم که متهم در اثر اجبار یا عوامل خارج از اراده عملی را انجام می‌دهد، به هیچ وجه نمی‌توان عمل را به وی منتسب کرد. این امر در مورد جرایم با مسئولیت مطلق نیز صدق می‌کند و عمل باید ناشی از اراده مرتکب باشد تا بتوان آن را به وی منتسب کرد. اما موضوع اصلی این است که مرتکب با چه نیت یا تصور روانی این عمل را انجام می‌دهد. در حقوق فرانسه نیز این عقیده وجود داشت و حتی در این زمینه حکم صادر شد که برخی از جنحه‌ها^{۳۹} و همچنین اغلب خلاف‌ها به محض ارتکاب، مستقل از اراده مرتکب قابل مجازات هستند و این جرایم از جمله جرایم مادی هستند. اما این امر در قانون مجازات جدید با تأیید قاعده شخصی بودن مجازات در ماده (۱-۱۲۱)، لزوم احراز یک تقصیر را برای جرایم مادی، در ماده (۲۳۹) قانون دسامبر ۱۹۹۲) بیان داشته است.^{۴۰} اما در نظام حقوقی ایران نیز با بررسی مواردی که از سوی حقوق دانان به عنوان جرایم با مسئولیت مطلق ذکر شده است، می‌توان چنین عقیده‌ای را در رابطه با عنصر روانی این گونه جرایم بیان داشت. در مورد جرم صدور چک بلامحل که از زمره جرایم ذکر شده است، قانونگذار با به رسمیت شناختن چک آن را در روابط تجاری و دادوستد روزانه مردم در حکم اسکناس قرار داده است؛ بنابراین، صادرکننده در زمان صدور مانند آن است که اسکناس را به طرف مقابل خود می‌دهد و باید تمامی شرایط لازم برای صدور چک را رعایت نماید، از جمله داشتن موجودی کافی در حساب، انطباق امضای وی با نمونه امضای او نزد بانک و موارد دیگر مندرج در قانون صدور چک. در صورتی که هر یک از این شرایط را صادرکننده در موقع صدور رعایت نکند، باعث بلامحل شدن چک و در نتیجه عدم پرداخت مبلغ به دارنده می‌شود که همین امر موجب ورود خسارت به وی می‌شود. از طرفی با عدم پرداخت و بلامحل شدن چک، نظم و امنیت اقتصادی مردم و جامعه که قانونگذار و دولت با جایگزینی چک به جای اسکناس و اعتباری که به آن داده است، برهم می‌خورد که همین نقض قانون و مقررات چک که با خسارت دارنده همراه است، خود تشکیل دهنده عنصر روانی در این جرم است. در ماده (۷۹) قانون کار مصوب ۱۳۶۹ نیز به کار گماردن افراد کمتر

۳۹. این جنحه‌ها شامل: «جرایم مربوط به صید، شکار، گمرک، مالیات غیرمستقیم، بعضی از جرایم مربوط به قوانین دارویی، قوانین اقتصادی و جرم آلوده کردن آب‌های جاری» هستند که فقط یک تقصیر ساده نیاز دارند (ماده ۳۳۹ قانون ۱۶ دسامبر ۱۹۹۲) و این تقصیر ممکن است نقض دستورات قانون یا مقررات باشد، از طرفی چهل به قانون یا مقررات نیز می‌تواند یک تقصیر باشد. گاستون استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولوک، حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، ترجمه حسن دادبان (تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳)، جلد اول، ۳۷۱.

۴۰. استفانی، لواسور و بولوک، پیشین، ۳۶۵.

از ۱۵ سال را به قید جریمه و در صورت تکرار با مجازات حبس، جرم شناخته است که مبنای این جرم‌انگاری حفظ منافع عمومی است^{۴۱} و نیز حفظ حقوق افرادی که به دلیل صغر سن، قادر به حفظ حقوق خود به نحو مطلوب نیستند؛ بنابراین کارفرمایی که این افراد را به کار گیرد، هم قانون را نقض کرده و هم عملش برخلاف منافع و امنیت عمومی است و هم ممکن است با این کار قصد وارد کردن خسارت به این گونه افراد تحت حمایت قانون را داشته باشد که هر کدام از موارد مذکور خود می‌تواند با هم یا به صورت جداگانه تشکیل دهنده عنصر روانی این جرم باشد. در همین زمینه و در ارتباط با عنصر روانی به بررسی معاونت و جایگاه آن در جرایم با مسئولیت مطلق می‌پردازیم.

۳-۲- معاونت

در وقوع جرم علاوه بر مباشر ممکن است شخص دیگری نیز مداخله نماید بدون آنکه در عملیات اجرایی شرکت کند، از طریق تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع، دسیسه و فریب در ارتکاب رفتار مجرمانه همکاری نماید. از طرفی مسئولیت و مجازات کردن معاون جرم نیز در صورتی است که عناصر سه‌گانه قانونی، مادی و روانی موجود باشد. عنصر قانونی جرم معاونت در قانون مجازات جدید در ماده (۱۲۶) بیان شده است. عنصر مادی این جرم نیز طبق این مقرر قانونی به شرح ذیل است:

«اشخاص زیر معاون محسوب می‌شوند:

الف - هرکس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد؛

ب - هرکس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد؛

پ - هرکس وقوع جرم را تسهیل کند.»

اما در خصوص عنصر روانی نیز جرم معاونت زمانی تحقق می‌یابد که معاون نسبت به عمل مباشر، عنصر روانی لازم را داشته باشد. در تبصره ماده (۱۲۶) ق.م.ا در این خصوص چنین مقرر گردیده است: «برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است و ...» به طور کلی، معاونت در جرم زمانی تحقق

می‌یابد که شخص معاون با انجام فعل مثبت و با داشتن عنصر روانی لازم (که به صورت وحدت قصد و تقدّم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم است) در انجام جرم بدون دخالت در عملیات اجرایی به مباشر جرم کمک نماید. به همین دلیل در جرایم غیر عمدی چون مباشر قصد ارتکاب جرم ندارد و عمل انجام شده توسط وی نیز ناشی از خطاست و نه عمد او، در نتیجه وحدت قصد بین معاون و مباشر منتفی است و معاونت در جرم غیر عمدی، ناممکن خواهد بود.^{۴۲} اما در مورد جرایم با مسئولیت مطلق این امر بستگی به این دارد که این نوع جرایم را بدون عنصر روانی قابل ارتکاب یافتن بدانیم، یا اینکه ارتکاب این جرایم هم با عنصر روانی است و فقط نیاز به اثبات نداشته باشد. پیشتر بیان شد که برای مسئول دانستن معاون و مجازات کردن وی علاوه بر عنصر قانونی و مادی، شخص باید عنصر روانی لازم را در ارتکاب این جرم داشته باشد. در جرایم با مسئولیت مطلق نیز در صورتی می‌توان شخص را به جرم معاونت، مسئول قلمداد کرد که دارای قصد یا سوءنیت باشد و این قصد یا سوءنیت باید با قصد مباشر یکی باشد. در صورتی که این جرایم با دو عنصر (قانونی و مادی) و بدون عنصر روانی ارتکاب یابند، وحدت قصد بین مباشر و معاون هم ناممکن خواهد بود.

۳-۳- عدم لزوم وجود عنصر روانی (مفروض انگاشتن عنصر روانی)

همان طور که قبلاً بیان شد در نوشته‌های بسیاری در مورد تعریف از جرایم با مسئولیت مطلق، عنصر روانی را «مفروض» اعلام داشته‌اند که با ارتکاب عنصر مادی توسط مرتکب، عنصر روانی فرض گرفته می‌شود.^{۴۳} تفاوت میان فرض گرفتن عنصر روانی و یا عدم نیاز به اثبات عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق به این دلیل است که اگر عنصر روانی را فرض بگیریم، این جرایم با دو عنصر (قانونی و مادی)^{۴۴}، ارتکاب می‌یابد و در صورتی که نیاز به

۴۲. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳)، جلد دوم، ۱۱۹.

۴۳. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ۳۴، پیشین، ۳۴۴؛ صانی، پیشین، ۲۶۷. (البته دو نویسنده مذکور در ادامه توضیحات خود عدم لزوم اثبات عنصر روانی را در این نوع جرایم بیان داشته‌اند و ظاهراً تفاوتی میان مفروض گرفتن و یا عدم اثبات عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق قائل نشده‌اند.)

۴۴. شاید نامیدن این جرایم در برخی از متون حقوقی با عنوان «جرایم مادی صرف» در نظر گرفتن همین عقیده باشد. در این خصوص یکی از حقوق دانان بیان می‌دارد: «در بینش نظام‌های حقوقی کهن، بزهکار همواره در آینه افعال خویش شناخته می‌شد؛ زیرا پیشینیان جرم را پدیده‌ای زیان‌آور و ناشی از افعال مادی صرف به‌شمار می‌آوردند و مسئولیت را متوجه کسی می‌دانستند که از فعل او زیانی به دیگری می‌رسید. تفاوتی نمی‌کرد که این فعل از انسان یا حیوان یا نباتات و حتی اشیاء بی‌جان صادر می‌شد.» اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ ۳۲، پیشین، ۵۱.

اثبات عنصر روانی نباشد، این جرایم نیز مانند سایر جرایم (چه عمدی و چه غیرعمدی)، با سه عنصر (قانونی، مادی و روانی)، ارتکاب می‌یابند. عده‌ای نیز با تفکیک این نوع جرایم به مسئولیت مطلق در مفهوم موسّع و مسئولیت مطلق در مفهوم مضیق سعی بر توجیه عنصر روانی نموده‌اند. بدین صورت که در حالت موسّع آن هیچ‌گونه عنصر روانی وجود ندارد و در حالت مضیق آن با ارتکاب رکن مادی نیازی به اثبات عنصر روانی نیست^{۴۵}، اما، باز در ادامه بحث، این دو موضوع را یکی در نظر گرفته و چنین بیان داشته‌اند: «در مفهوم مضیق، مسئولیت مطلق به جرایمی اشاره دارد که با اثبات رکن مادی آن نیازی به اثبات رکن روانی جرم توسط مقام تعقیب نیست یا به عبارتی در اینجا مسئولیت کیفری اعتباری و مفروض تلقی خواهد شد ...»^{۴۶} این گونه استدلال‌ات ناشی از عدم‌شناسایی عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق است. به همین دلیل، نظراتی که در این رابطه ابراز می‌گردد، هیچ‌گونه تفکیکی بین دو حالت مفروض گرفتن و عدم‌نیاز به اثبات عنصر روانی در این جرایم قائل نمی‌شوند. اما همان‌طور که پیشتر بیان شد در نظر گرفتن هر کدام از این دو مفهوم تعریف جرم را تغییر خواهد داد و این تغییر نیز در عناصر تشکیل‌دهنده این جرایم مشخص می‌شود که باز پیروی از هر کدام آثاری را برای مرتکب در پی دارد. در ادامه در بحث از تأثیر عوامل رافع مسئولیت و عوامل موجهه جرم در این نوع جرایم لزوم تفکیک این دو مفهوم به‌خوبی مشخص می‌گردد.

۴- تأثیر دفاعیات مرتکب در جرایم با مسئولیت مطلق

در ابتدا و در رسیدگی به جرایم با مسئولیت مطلق، هیچ‌گونه دفاعی پذیرفته نمی‌شود. در این میان نظام حقوقی انگلستان بسیار سخت‌گیرتر از سایر نظام‌های حقوقی دیگر عمل می‌نمود.^{۴۷} اما، با گذشت زمان، ناعادلانه بودن این نوع سخت‌گیری در رسیدگی به این جرایم، دادگاه‌ها را به پذیرش دفاعیات معقول، متعارف و متناسب وادار نمود. در این رابطه پرونده‌ای در ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفت و در آن دفاعیات مرتکب پذیرفته شد. در این پرونده راننده‌ای که ماهی‌های کوچک‌تر از اندازه مجاز را حمل نموده بود، در دادگاه

۴۵. مجتبی جانی‌پور، مراد عباسی، «بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک»، *فقه و حقوق اسلامی* ۶ (۱۳۹۲)، ۲۷.

۴۶. همانجا.

۴۷. برای دیدن پرونده‌هایی که در این زمینه مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند، نک: سماواتی پیروز، پیشین، ۳۱-۲۸.

محکوم شد (ارتکاب این نوع جرم در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، جرمی است با مسئولیت مطلق). اما راننده ثابت کرد که اطلاعی از اندازه ماهی‌ها نداشته و محموله هم به نحوی بسته‌بندی شده بود که به‌نحو متعارف نمی‌توان از او انتظار بازرسی آن را داشت، به همین دلیل محکومیت وی در دادگاه تجدیدنظر نقض گردید.^{۴۸} دادگاه تجدیدنظر با پذیرش دفاع متهم در این پرونده که جرم ارتكابی از جمله جرایم با مسئولیت مطلق شناخته می‌شود، هم پذیرش دفاع را توسط متهم قابل قبول دانسته و هم اینکه به‌طور ضمنی پذیرفته است که این نوع جرایم نیز مانند سایر جرایم (عمدی و غیرعمدی)، از عنصر روانی برخوردار است. قانونگذار ماده (۴۹۹) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ را به‌نوعی نگارش نموده است که مطلق بودن مسئولیت را برای مرتکب بیان می‌دارد. در این ماده چنین مقرر شده است: «هرکس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی‌اطلاع بوده است.» بنا بر عقیده‌ای جرم موضوع این ماده با وجود شکل نگارش آن جرم با مسئولیت مطلق نیست، اما با وجود این، قانونگذار «فرض را بر مطلع بودن عضو گرفته و در نتیجه با قرار دادن بار اثبات عدم اطلاع بر دوش وی کار اثبات جرم را برای مسئولان ذی‌ربط آسان‌تر نموده است.»^{۴۹} اما به‌نظر می‌رسد اظهارنظر در رابطه با جرم موضوع این ماده به این برمی‌گردد که نخست: ما جرایم با مسئولیت مطلق را دارای عنصر روانی بدانیم؛ به عبارت دیگر، در ارتکاب این نوع جرایم نیز مانند سایر جرایم، وجود سه عنصر قانونی، مادی و روانی لازم است. ولی بنابر وضعیت خاص این‌گونه جرایم، اثبات عنصر روانی نیاز نیست و با ارتکاب عنصر مادی و انتساب آن به مرتکب، فرد قابل مجازات است. در درجه دوم نیز اگر دفاع قابل قبول را از مرتکب این‌گونه جرایم بپذیریم، همان‌طور که در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا این امر صورت گرفته است و نیز بنابر عقیده برخی از حقوق‌دانان داخلی جرم موضوع ماده (۷۹) قانون کار مصوب ۱۳۶۹ که گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام را در کارهای عادی به قید جریمه نقدی و در صورت تکرار، با مجازات حبس جرم شناخته است، جرمی با مسئولیت مطلق دانسته‌اند^{۵۰}، از طرفی برخی نیز عقیده دارند که امکان تخفیف مجازات برای کارفرمایی که ادعا کند، ظاهر جثه و

۴۸. واین، پیشین، ۱۹.

۴۹. میرمحمد صادقی، حقوق جزای بین‌المللی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۲۳۷.

۵۰. قبله‌ای و فرهمندفر، پیشین، ۱۳۱.

قیافه کارگر او را به اشتباه انداخته است، وجود دارد.^{۵۱} یکی دیگر از مواردی که به عنوان جرم با مسئولیت مطلق بیان شده است، جرم ترک انفاق است که بنابر عقیده «عنصر روانی در این جرم قانوناً مفروض^{۵۲} است و در صورتی که مرتکب فقدان قصد مجرمانه خود را با دلیل ثابت کند وقوع جرم منتفی است و تنها جنبه حقوقی واقعه مورد توجه قرار می‌گیرد»^{۵۳} البته بعضی از حقوق دانان نظر دیگری دارند.^{۵۴} استناد به دفاع در جرایم فوق در صورتی امکان‌پذیر است که عنصر روانی را جزو عناصر تشکیل‌دهنده هر یک از جرایم مذکور بدانیم، در غیر این صورت نمی‌توان دفاعیات مرتکب را پذیرفت.

۵- شکلی یا ماهوی بودن مسئولیت مطلق

اما مطلب دیگر این است که اصولاً، مسئولیت مطلق امری است ماهوی یا شکلی. به عبارت دیگر، اعمال قاعده مسئولیت مطلق باید در مباحث ماهوی مطرح گردد و یا نه این امری است که در زمان رسیدگی‌های قضایی (اعم از رسیدگی در دادسرا و دادگاه)، مورد استفاده قرار می‌گیرد. اقامه دعوی عمومی بر عهده نهاد دادرست که وظیفه اصلی اش آماده‌سازی کیفرخواست دعوی عمومی است تا رسیدگی در دادگاه به سهولت صورت پذیرد.^{۵۵} از طرفی دادسرا در اعمال وظیفه خود و در برخورد با جرایم مختلف چه عمدی و چه غیر عمدی باید به ترتیب، سوءنیت و قصد مرتکب و یا تقصیر مرتکب را اثبات کند تا بتوان مسئولیت کیفری عمل انجام‌شده را بر مرتکب بار کرد. با وجود این و با توجه به کمی امکانات و منابع برای تعقیب جرایم، به خصوص جرایم نوظهوری که با پیشرفت صنعت و تکنولوژی و تجارت که از قرن نوزده شروع شد و در جوامع مختلف به تناسب پیشرفتشان در حوزه‌های مذکور به وجود آمد، رسیدگی به صورت سنتی را ناکارآمد و دشوار می‌نمود. از طرفی قانونگذاران نیز با تصویب

۵۱. ایرج گلدوزیان، *محمّسای قانون مجازات اسلامی* (تهران: نشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶)، ۸۷.

۵۲. همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، قانونگذار در هیچ‌یک از مقرره‌های قانونی صراحتاً مسئولیت مطلق را برای مرتکب در نظر نگرفته است.

۵۳. گلدوزیان، *دله اثبات دعوا*، پیشین، ۲۰.

۵۴. در خصوص جرم موضوع این ماده نظر مخالفی نیز بیان شده است: «که در صورت نپرداختن نفقه زوجه به هر دلیلی، فعل عمدی به‌شمار می‌رود، مگر آنکه زوج با تأدیه نفقه زوجه، از خود رفع مسئولیت نماید». اردبیلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ ۳۴، پیشین، ۳۴۴. به نظر می‌رسد که عبارت «به هر دلیلی»، دفاع فقدان قصد مجرمانه را نیز دربرمی‌گیرد.

۵۵. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸)، جلد اول، ۱۰۱.

قوانین مختلف، در حوزه‌های وسیعی اقدام به جرم‌انگاری اعمالی نمودند تا بدین‌وسیله بتوانند امنیت عمومی و حقوق افراد و همچنین منافع اجتماع را در مقابل جرایم نوظهور حفظ کنند. اما با وجود این در بیان شرایط و ارکان جرایم هیچ‌گونه تغییری صورت نگرفت. به عبارت روشن‌تر، قانونگذار با وجود اینکه اعمال بی‌شماری را وارد حوزه نظام کیفری نمود، اما شیوه بیان نوع جرایم را در متون قانونی به همان صورت عمدی و غیرعمدی حفظ کرد. با وجود ابراز نظرات مختلفی که در حوزه حقوق کیفری در مورد جرایم با مسئولیت مطلق صورت پذیرفته است، اما قانونگذاران به صورت صریح، مطلق بودن مسئولیت را برای برخی از جرایم در متون قانونی وارد نکرده‌اند. برخلاف جرایم عمدی و غیرعمدی که شرایط و ارکان تشکیل‌دهنده آنها در متون قانونی به صورت صریح بیان گردیده است و در مواد (۱۴۴) و (۱۴۵) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز متجلی گردیده، ولی اشاره‌ای به مطلق بودن جرم یا جرایمی نشده است؛ و تمام مسائل و نظراتی که در این رابطه ابراز گردیده ناشی از استنباط‌های حقوق‌دانان و در نظام‌هایی مانند انگلستان ناشی از استدلال‌ات قضات است.^{۵۶} تقریباً تمامی نظراتی که پیرامون مسئولیت مطلق برای برخی از جرایم بیان شده است، همه به نوعی سهولت در رسیدگی و به تبع عدم‌نیاز به اثبات عنصر روانی و حتی نظراتی هم که عنصر روانی را مفروض بیان کرده‌اند همه برای سهولت انتساب عمل به مرتکب بوده است. به طوری که مقام تعقیب را از اثبات عنصر روانی بی‌نیاز کند و در کوتاه‌ترین زمان ممکن مرتکب را مجازات نماید؛ بنابراین، در جرایم با مسئولیت مطلق قاعده همان است که در مورد سایر جرایم وجود دارد (از لحاظ شرایط و موانع مسئولیت مرتکب و نیز عناصر تشکیل‌دهنده جرم)، با وجود این در رسیدگی که صورت می‌گیرد از قاعده اصلی در رابطه با الزام مقام تعقیب به اثبات عنصر روانی عدول می‌شود که این بیشتر جنبه شکلی این امر را به ذهن متبادر می‌نماید تا جنبه ماهوی. در این خصوص عده‌ای پا را فراتر گذاشته و معتقدند که قانونگذار در ماده (۶۱۵) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) در باب منازعه، عنصر مادی را در مورد برخی از افراد شرکت‌کننده در منازعه مفروض می‌انگارد. چراکه از نظر قانونگذار اعم از اینکه فردی که در منازعه وارد شده است، عملاً کاری هم انجام بدهد یا نه، برحسب نتیجه حاصل به مجازات‌های موضوع ماده مزبور محکوم خواهد شد.^{۵۷} در این زمینه نظام حقوقی

۵۶. سماواتی پیروز، پیشین، ۲۸.

۵۷. رحمدل، پیشین، ۴۸.

آلمان موضع صریح‌تری را در پیش گرفته است. یکی از مبانی رویکرد حقوق کیفری آلمان، اصل مجرمیت^{۵۸}، یا به عبارتی دیگر، شرط تقصیر فردی و سزاوار مجازات بودن فرد است که به‌عنوان شاخص تعیین‌کننده مسئولیت و مجازات محسوب می‌شود. این امر توأم با فقدان پذیرش مسئولیت اثبات دعوی معکوس در قانون شکلی، منجر به عدم‌پذیرش ایده مسئولیت مطلق در نظام حقوقی آلمان شده است.^{۵۹}

۶- جرایم علیه محیط‌زیست

محیط‌زیست و اجزای آن از دیرباز موردتوجه بشر بوده‌اند و بشر به آن نیاز اساسی داشته است. باتوجه‌به تحولات تاریخی و پیشرفت تمدن‌های بشری، محیط‌زیست نیز دچار تغییر و تحول گردیده است. امروزه مسئله محیط‌زیست، یک مسئله بسیار مهم و حیاتی برای بشر محسوب می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در اکثر جوامع، سیاستمداران عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، به‌دنبال راه‌حل‌های چندبعدی برای حل مسائل و مشکلات پیرامون این ارزش مهم حیات بشری هستند. امروزه به دلایل متعدد و مختلف، محیط‌زیست در ابعاد گوناگون، موردتوجه انسان‌ها قرار گرفته است و محیط‌زیست و حفظ آن، جزء حیاتی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و مردم در جوامع مختلف قرار گرفته است.^{۶۰} درواقع، محیط‌زیست به‌دلیل جایگاه ویژه‌ای که در بهبود زندگی انسان‌ها دارد، از اهمیت زیادی برخوردار است به‌طوری‌که امروزه به یکی از مسائل مهم داخلی و بین‌المللی تبدیل شده است. استفاده انسان از محیط پیرامون خود امری است اجتناب‌ناپذیر که در تمام اعصار گذشته از سوی انسان صورت می‌پذیرفته است. اما با پیشرفت و صنعتی شدن جوامع بشری که غالباً از قرن نوزدهم صورت گرفت، استفاده از محیط‌زیست (از جمله دریاها، جنگل‌ها، معادن و ...)، به‌صورت چشم‌گیری افزایش داشت. در این زمان استفاده از محیط‌زیست در اغلب موارد به‌صورت بی‌رویه و بدون محدودیت صورت

58. Schuldprinzip

۵۹. این امر کاملاً پذیرفته شده است که بار اثبات دعوی در دعوی جزایی برعهده شاکی است که ملزم به ارائه ادله‌ای دال بر قصد مجرمانه (Mens Rea) و فعل مجرمانه (Actus Reus) متهم است تا هیئت‌منصفه را نسبت به معیار جزایی «قطعیت فراتر از شک مدلل» قانع نماید. باین‌حال چهار وضعیت کاملاً صریح و آشکار وجود دارد که مسئولیت حقوقی احراز «حقیقت ادله دفاع» برعهده متهم است. وضعیت‌های چهارگانه مذکور عبارتند از: ۱- جنون؛ ۲- فقدان شرایط لازم جهت طرح دعوی؛ ۳- عدم تفکر معقولانه؛ ۴- مسئولیت مخففه. مایکل بوهلاندر، *مبانی حقوق کیفری آلمان*، ترجمه اصلی عباسی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰)، ۵۴.

۶۰. سید محمود میرخلیلی، ابودر سالاری‌فر، «بازنگری رکن روانی جرم در جرایم زیستی و نگاه اسلام به آن»، *فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی* ۲۸ (۱۳۹۶)، ۱۶۲.

می‌گرفت که هنوز هم این رویه در برخی موارد ادامه دارد. در این بین خطرات و آلودگی‌هایی که ناشی از استفاده بی‌رویه و غیراصولی از محیط‌زیست می‌شود، هم سلامت افراد را مورد تهدید قرار می‌داد و هم محیط‌زیست را. از سوی دیگر، به دلیل ارتباط زنجیرواری که بین عوامل مختلف محیط‌زیست وجود دارد^{۶۱} و گونه‌های مختلف جرایم علیه محیط‌زیست که آثار و پیامدهای جدی بر انواع آن می‌گذارد و همچنین در بعضی موارد تعدد اسباب ایجاد جرایم ارتكابی، قلمروی گسترده خسارات، جرم‌انگاری و برخورد با مرتکبان را بسیار دشوار نموده است.^{۶۲} برای جلوگیری از ادامه این روند در سطح بین‌الملل اسناد مهم و بسیاری در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست منعقد گردیده است که می‌توان به کنوانسیون و پروتکل مونترال در مورد لایه اوزون (۲۲ مارس ۱۹۸۵، ۱۶ سپتامبر ۱۹۷۸)؛ کنوانسیون پیشگیری از آلودگی دریا ناشی از تخلیه پسماندها (۲۹ دسامبر ۱۹۷۲)؛ معاهده قطب جنوب (۱ دسامبر ۱۹۵۹) و پروتکل زیست‌محیطی آن (۴ اکتبر ۱۹۹۱)؛ پروتکل ۱۹۷۹ آلودگی هوای فرامرزی از راه دور در مورد کنترل انتشار اکسید نیتروژن (۳۱ اکتبر ۱۹۸۸)؛ بند ۲ ماده (۴) کنوانسیون آ.سه. آن در مورد حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (۴ ژوئیه ۱۹۸۵) و ماده (۸) کنوانسیون تنوع زیستی (۵ ژوئن ۱۹۹۲) اشاره کرد. در قرآن کریم نیز آیاتی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست بیان شده است، از جمله آیه ۶۱ از سوره هود که می‌فرماید: «... هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ...» (او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت). همچنین حدیثی از پیامبر (ص) که فرموده است: «اگر قیامت برپا شود و در دست فردی نهالی باشد باید آن را بکارد.»^{۶۳} در سطح کشورهای مختلف نیز قوانین بسیاری در این حوزه به تصویب رسیده‌اند؛ به عنوان مثال می‌توان به قانون کیفری آلمان اشاره کرد که در گفتار بیست و نهم از بخش ویژه قانون مذکور از مواد (۳۲۴) تا (۳۳۰)، به جرم‌انگاری جرایم علیه محیط‌زیست پرداخته است. اما نکته شایان ذکر این است که در قانون کیفری آلمان، جرایم

۶۱ در این مورد می‌توان از آلاینده‌های هوا که از طریق انتشار مواد شیمیایی صنعتی ایجاد می‌شود، نام برد که هم بر روی انسان و هم بر روی حیوانات و گیاهان تأثیر زیان‌بار دارد. مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، آلوده کردن آب‌های جاری به پساب صنعتی و مواد شیمیایی کارخانه‌ها می‌باشد که تأثیرات بسیار خطرناک و غیرقابل جبرانی را بر آبزیان و مزارع حاصلخیز و گیاهان و حتی انسان‌ها برجا می‌گذارد و موارد دیگری از این قبیل.

۶۲ محمدحسین رضائی قوام‌آبادی، «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، *مجله حقوقی دادگستری* ۷۵ (۱۳۹۰)، ۲۱۰-۲۰۹.

۶۳ جوزی، جعفرپور، شعاریان، پیشین، ۴۷.

علیه محیط‌زیست جزو جرایم عمدی محسوب می‌شود، مگر در صورتی که مرتکب از روی بی‌احتیاطی این جرایم را انجام داده باشد که در این صورت مجازات وی کمتر خواهد بود.^{۶۴}

۶-۱- قوانین وضع شده داخلی در زمینه محیط‌زیست

در زمینه حفاظت از محیط‌زیست به قوانین مختلفی می‌توان اشاره کرد: از جمله قانون شکار مصوب سال ۱۳۳۵، قوانین و مقررات بعد از آن از جمله قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳، لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها در سال ۱۳۵۹، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و فصل بیست و پنجم از کتاب پنجم (تجزیرات) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ به تصویب قانونگذار رسیده است که در اغلب موارد مرتکب علاوه بر مجازات کیفری، ملزم به جبران خسارات وارده و حتی محکوم به دیه و قصاص نیز می‌شود.^{۶۵} اما مسئله‌ای که در اینجا به آن خواهیم پرداخت، عنصر روانی مرتکب در این‌گونه جرایم است. با توجه به فلسفه وضع جرایم علیه محیط‌زیست و لزوم حمایت گسترده از آن، بحث در خصوص ارکان جرم در این حوزه اهمیت زیادی دارد؛ چراکه از یک سو لزوم حمایت از محیط‌زیست ایجاب می‌نماید که سیاست کیفری سخت‌گیرانه‌تری نسبت به سایر حوزه‌های

۶۴. به‌عنوان مثال می‌توان به ماده ۳۲۴ قانون کیفری آلمان در این زمینه اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «هرکس، مغایر با قانون، منبع آبی را آلوده سازد یا به‌طریق دیگری، ویژگی‌های آب را به‌صورت زیان‌باری تغییر دهد، به مجازات حبسی که بیشتر از پنج سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد:

الف - هرگونه اقدام در این زمینه قابل مجازات خواهد بود؛

ب - در صورتی که مجرم، از روی بی‌احتیاطی مرتکب جرم شود، به مجازات حبسی که بیشتر از سه سال نخواهد بود یا جریمه مالی محکوم خواهد شد.»

۶۵. ماده ۴ قانون اصلاح لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ شورای انقلاب اسلامی «مصوب ۱۳۸۷/۱۲/۱۴ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۸۸/۰۴/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام» در این زمینه مقرر می‌دارد: «هرکس درختان موضوع ماده (۱) قانون گسترش فضای سبز را عالماً و عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده ... محکوم خواهد شد.» همچنین ماده ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی، بخش تجزیرات مصوب ۱۳۷۵ در خصوص جرایم مربوط به فصل بیست و پنجم (احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات) مقرر می‌دارد که: «در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام‌شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تأدیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.»

حقوق جزا اعمال گردد. از سوی دیگر، جرم‌انگاری هم خود مبتنی بر یک سری اصول اساسی است که رعایت آن تحت هر شرایطی لازم است. اولین بحثی که در حقوق جزا در خصوص یک جرم مطرح می‌شود، بحث راجع به عناصر تشکیل‌دهنده آن است. چراکه با شناسایی عناصر هر جرمی، نوع مسئولیت مرتکب نیز مشخص می‌شود (مثل جرایم عمدی و غیرعمدی). در خصوص جرایم علیه محیط‌زیست به‌طور کلی دو نظر وجود دارد که با هم متفاوت است. طبق قاعده کلی اصل بر شرطیت عمد در عنصر روانی جرایم است؛ بنابراین تا زمانی که قانونگذار برخلاف اصل مذکور، صریحاً قاعده‌ای وضع نکرده باشد، با رجوع به اصل مزبور جرم را عمدی می‌گیریم. در خصوص جرایم علیه محیط‌زیست نیز بنابر همین اصل، عده‌ای قائل به عمدی بودن این‌گونه جرایم هستند و معتقدند که جرایم مذکور با وجود سه عنصر قانونی، مادی و روانی قابل تحقق هستند.^{۶۶} با توجه به آثار زبان‌بار جرایم زیست‌محیطی، حقوق دانان به دنبال راهکارهایی هستند که این آثار زبان‌بار را تا حدودی کاهش داده و باعث بازدارندگی بیشتر در این جرایم گردد. از جمله تحولاتی که امروزه در زمینه جرایم زیست‌محیطی در برخی نظام‌های حقوقی دنیا ایجاد گردیده است، تحول مفهوم تقصیر و رکن روانی است؛ به‌گونه‌ای که امروزه در بسیاری از موارد در جرایم زیست‌محیطی، مسئولیت اعم از حقوقی و کیفری بدون احراز تقصیر و رکن روانی بر مرتکب بار می‌گردد. مسئولیت بدون تقصیر، در واقع، به نادیده گرفتن و یا مفروض انگاشتن تقصیر و رکن روانی اشاره داشته و با قابلیت سرزنش‌پذیری مرتکب ارتباط دارد.^{۶۷} بعضی از نویسندگان حقوقی معتقد هستند که در مواردی جرایم محیط‌زیستی مقید به نتیجه شده است و مستند خود را جرم موضوع بند ج ماده (۱۳)^{۶۸} قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ قرار داده است و بیان می‌دارد: «اینکه شخص مرتکب برای ارتکاب جرم مورد نظر خود (کشتن جانور وحشی) از سم و مانند آن استفاده کند، سوءنیت عام تحقق پیدا کرده است و اینکه با استفاده از این مواد می‌خواهد جانور وحشی را بکشد و به این وسیله به نتیجه مورد نظرش برسد، سوءنیت خاص محقق خواهد شد.»^{۶۹ و ۷۰}

۶۶ جوزی، جعفرپور، شعاریان، پیشین، ۵۲.

۶۷ میرخلیلی و سالاری‌فر، پیشین، ۱۶۱.

۶۸ ماده ۱۳ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ مقرر می‌دارد: «هرکس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات ... و

در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم می‌شود:

ج - شکار، صید و یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن و شکار به‌صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشتار آنان به‌طریق جرگه و محاصره دسته‌جمعی؛ ...».

۶۹ ناصر قاسمی، حقوق کیفری محیط‌زیست (تهران: انتشارات جمال الحق، ۱۳۸۴)، ۱۲۷.

از طرفی، در حقوق کامن‌لا نیز این عقیده وجود دارد که جرایم علیه محیط‌زیست جزو جرایم با مسئولیت مطلق محسوب می‌شود که ارتکاب جرم با مسئولیت مطلق را بدون عنصر روانی قابل ارتکاب می‌دانند. برخی از حقوق‌دانان داخلی نیز با بیان اینکه جرایم زیست‌محیطی جزو جرایم خلافی^{۷۱} هستند، آنان را از حالت عمدی خارج نموده‌اند.^{۷۲} یکی از مهم‌ترین حالت‌هایی که برای مسئولیت مطلق در نظر می‌گیرند، در واقع، موردی است که قانونگذار فرض را بر وجود تقصیر و یا عنصر روانی قرار می‌دهد که می‌توان از این حالت تحت عنوان «فرض وجود تقصیر» نیز یاد کرد. البته در بسیاری از مواردی که قانونگذار چنین فرض‌هایی را پیش‌بینی می‌کند، اجازه اثبات خلاف چنین فرضی را به مرتکب می‌دهد و تنها در پاره‌ای از موارد و به شکل استثنائی است که امکان اثبات خلاف فرض تقصیر امکان‌پذیر نیست.^{۷۳} تحقیقات نشان می‌دهد که پیش‌بینی و تحمیل مسئولیت مطلق در حوزه محیط‌زیست می‌تواند در بسیاری از موارد به‌عنوان یک محرک بازدارنده در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی تلقی گردد؛ زیرا مسئولیت مطلق ریسک و هزینه جرم را بالا برده و به‌صورت غیرمستقیم، عامل زیان را وادار می‌کند تا با نظارت بیشتر و بازرسی‌های متداول وقوع جرم و خطرات زیست‌محیطی را به حداقل برساند. در حوزه محیط‌زیست، پذیرش مسئولیت کیفری بایستی به‌معنای مسئولیت حقوقی نیز باشد. با پذیرش مسئولیت مطلق در جرایم زیست‌محیطی علاوه‌بر کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از جلسات طولانی دادرسی و در راستای اصل سرعت و تأثیرگذاری مجازات در بازدارندگی در حوزه جرایم زیست‌محیطی، شهروندان و شرکت‌ها و سازمان‌های دولتی، مسئولیت مطلق به‌عنوان یک محرک مهم، این نهادها را تشویق یا وادار به بازدارندگی از این جرایم نموده و ضمن اینکه شهروندان را به سمت‌وسوی یک عدالت ترمیمی خارج از دادگاه سوق می‌دهد. در حقیقت می‌توان گفت که مسئولیت مطلق وقتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل بازدارنده مناسب مورد توجه قرار گیرد که فرد عملاً

۷۰. نویسنده مذکور در ادامه بیان می‌نماید که «جرایم زیست‌محیطی در زمره جرایم سه عنصری هستند که عمدتاً در گروه جرایم عمدی قرار دارند و در موارد محدودی غیرعمدی (شبه‌عمد و خطا) هستند.» قاسمی، پیشین، ۱۳۳.

۷۱. ذکر این نکته ضروری است که جرم خلافی در قوانین جزایی فعلی وجود ندارد و در مواد ۱۴۴ و ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، صرفاً جرایم عمدی و غیرعمدی بیان شده است.

۷۲. اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ۳۴، ۳۶۲.

۷۳. اسماعیل عبداللهی، مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳)، ۱۰۰.

توان و امکان رعایت جوانب احتیاط و یا به عبارتی دقیق‌تر، جلوگیری از حادثه را داشته باشد، در غیر این صورت، تحمیل مسئولیت، غیر عادلانه خواهد بود. با این حال، نباید تصور کرد که مسئولیت مطلق را لزوماً با هدف بازدارندگی در جرایم زیست‌محیطی اعمال می‌نماییم، زیرا در بسیاری از موارد، مسئولیت مطلق با اهداف دیگری همچون دشواری‌های اثبات و احراز رکن روانی و یا اهمیت دادن به مسائل زیست‌محیطی و برخوردی قاطع با مرتکبین آن، مورد توجه خواهد بود. در واقع، اثبات تقصیر در جرایم زیست‌محیطی عملاً بسیار دشوار است و نیز هرگونه تردیدی در امور کیفری در رابطه با وجود یا نبود رکن تقصیر نیز بر مبنای اصل برائت، به نفع متهم تفسیر می‌گردد و عملاً در این نوع جرایم، غالباً قضات به راحتی نمی‌توانند رکن روانی را اثبات و احراز نمایند. از طرف دیگر، بسیاری از جرایم زیست‌محیطی با نوعی بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی همراه است که اگر بنا باشد که این بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی اثبات گردد، در غالب موارد، وقت و انرژی فراوانی برای احراز این امر لازم است که فرایند دادرسی‌های مربوط به جرایم زیست‌محیطی را با چالش‌هایی مواجه می‌سازد. حال آنکه، به دلیل اهمیت فوق‌العاده‌ای که مسئله محیط‌زیست و حفاظت از آن دارد، بهتر است که فرض بر تقصیر گذاشته شود و اثبات فقدان آن بر عهده متهم باشد و این مسئله می‌تواند مشکل پیچیدگی‌های اثبات رکن روانی توسط مقامات تعقیب و دادرسی را نیز حل نماید.^{۷۴} اما در نظر گرفتن هر یک از نظرات فوق می‌تواند آثار متفاوتی را در پی داشته باشد. در نظر گرفتن عقیده‌ای که جرایم محیط‌زیست را عمدی و حتی در برخی موارد مقید به نتیجه می‌داند، اثبات عمدی بودن فعل مرتکب و به تبع جبران خسارت را با دشواری زیادی روبه‌رو می‌کند. به دلیل نوع جرایم مختلفی که در این حوزه اتفاق می‌افتد که در بعضی موارد منشأ ایجاد عمل به دلیل تداخل اسباب مختلف و یا به دلیل اثراتی که پس از گذشت زمان پدیدار می‌گردد و همچنین عواملی دیگر از این دست، باعث می‌شود که نتوان به سهولت به اثبات رابطه علت و معلول میان منبع آلودگی و آلودگی تولیدشده پرداخت که این خود موجب می‌شود تا اقدام برای کسب جبران خسارت با مشکل روبه‌رو شود.^{۷۵} در مورد خلاقی بودن این جرایم نیز به دلیل اینکه در قوانین کیفری فعلی جرم خلاقی وجود ندارد، مشکل است که بتوان از این طریق مرتکبان جرایم محیط‌زیستی را تحت تعقیب و محاکمه قرار داد؛ چراکه اصل قانونی

۷۴. میرخلیلی و سالاری‌فر، پیشین، ۱۷۰-۱۶۷.

۷۵. مصطفی تقی‌زاده انصاری، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳)، ۱۷۲.

بودن جرم و مجازات مانع از آن است که بتوان جرمی را تحت عنوان خلافی مورد رسیدگی قرار داد. اما در خصوص این جرایم می‌توان از شیوه قانونگذار فرانسه پیروی کرد. در فرانسه شورای قانون اساسی با پذیرش استثنائی به شکل ارجاع بار اثبات دلیل، رضایت می‌دهد که بار اثباتی دلیل به‌جای تعقیب‌کننده برعهده متهم گذاشته شود.^{۷۶} به همین جهت شورای قانون اساسی، قانون مورخ ۱۸ ژوئن ۱۹۹۹ را تأیید نمود که با نقض ماده قانونی ۱-۱۲۱ مجموعه قوانین و مقررات جاده‌ای که «راننده وسیله نقلیه را مسئول تخلفات ارتكابی توسط او در حین رانندگی می‌داند» مقرر می‌دارد که «مالک سند پلاک وسیله نقلیه مسئول مالی جریمه نقدی به‌دلیل تخلف از مقررات راجع به سرعت است مگر اینکه وی وجود سرقت یا هر حادثه و قوه قاهره دیگر را ثابت نماید (ماده ۳-۱۲۱ مجموعه قوانین و مقررات جاده‌ای). این نوع جرم‌انگاری توسط قانونگذار ایران در خصوص جرایم علیه محیط‌زیست می‌تواند مؤثر واقع شود. اما تفاوتی که در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه وجود دارد این است که در قوانین جزایی ایران برخلاف فرانسه، جرم خلافی وجود ندارد. ولی با وجود این، می‌توان از شکل کلی این نوع جرم‌انگاری پیروی کرد؛ چراکه در حال حاضر با توجه به اصل عمدی بودن جرایم و همچنین به استناد مواد (۱۴۴) و (۱۴۵) قانون مجازات اسلامی، اگر قانونگذار جرمی را صراحتاً غیرعمدی اعلام نکند، عمدی محسوب خواهد شد که باز در هر دو صورت اثبات عنصر مادی و روانی برحسب مورد برعهده دادسرا یا دادگاه خواهد بود. اما برای جلوگیری از این مشکل و برای حفاظت بهتر از محیط‌زیست می‌توان بار اثبات دلیل را به‌جای مقام تعقیب برعهده متهم قرار داد، بدین صورت که با پیش‌بینی مسئولیت مطلق برای مرتکب، در صورت انتساب عنصر مادی به وی، مسئولیت عمل ارتكابی متوجه شخص باشد.^{۷۷} از طرفی با پیش‌بینی امکان ارائه دفاع (متناسب و معقول) از سوی متهم، او نیز بتواند بی‌گناهی و یا عدم‌مسئولیت خود را ثابت نماید. در این مورد می‌توان به تبصره ۲ ماده (۴) لایحه قانونی

۷۶. در این خصوص شورای قانون اساسی فرانسه معتقد است که «اگرچه قانونگذار اصولاً اماره مجرمیت «Présomption de culpabilité» را در موضوع کیفری نمی‌پذیرد، با وجود این می‌تواند، خصوصاً در مورد تخلفات تا موقعی که ویژگی غیرقابل‌انکاری ندارند، حقوق دفاعی تضمین شده است و وقایع منطقی واقعیت استناد را نتیجه می‌دهند، چنین اماره‌هایی را به‌صورت استثنائی مستقر نماید.» به نقل از ژان پرادل، «اصول اساسی فرایند کیفری در فرانسه»، ترجمه جواد تقی‌زاده، فصلنامه حقوق اساسی ۸ (۱۳۸۶)، ۳۵۵.

۷۷. در این خصوص می‌توان به اصل احتیاط نیز استناد نمود. طبق این اصل کسانی که به فعالیت احتمالاً خطرناک دست می‌زنند باید بار اثبات فقدان آسیب زیست‌محیطی را به‌عهده بگیرند. دینا شیلتون و الکساندر کیس، کتابچه قضایی حقوق محیط‌زیست، ترجمه محسن عبدالهی (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹)، چاپ اول، ۷۴.

حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹/۰۳/۰۳ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «در پروانه‌های ساختمانی که بر اساس طرح جامع و یا هادی شهرها از طرف شهرداری‌ها صادر می‌شود، تعداد درختی که در اثر ساختمان باید قطع شود، تعیین و قید خواهد شد. در صورتی که پس از دریافت پروانه و قطع درخت ظرف مدت مندرج در پروانه بدون عذر موجه اقدام به ساختمان نشود، مرتکب مشمول مجازات‌های مقرر در این قانون خواهد بود.» در این تبصره عذر موجه به صورت عام ذکر شده است که می‌تواند هر عذری که برای شخص ایجاد شود را دربرگیرد. به نظر می‌رسد مفروض انگاشتن عنصر روانی می‌تواند کمک شایانی در اثبات و احراز ارتکاب جرایم زیست‌محیطی و پیشگیری از آن توسط متهمان این قبیل بزهکاری در مراجع قضایی در سطح جامعه گردد.

نتیجه

در حقوق کیفری جرم متشکل از سه عنصر قانونی، مادی و روانی است که هم در جرایم عمدی و هم در جرایم غیرعمدی هر سه عنصر وجود دارد. با تحولاتی که در سطح جوامع رخ داد به ویژه در حوزه‌های اقتصادی، تجاری، محیط‌زیست، قوانین و مقرراتی تصویب شدند که رسیدگی و مجازات مرتکبان این گونه جرایم را به صورت سستی دشوار و ناکارآمد می‌نمود. یکی از مسائل مهم در این زمینه بررسی عنصر روانی مرتکب است. در جرایم سستی مقام تعقیب و رسیدگی کننده باید عنصر مادی و عنصر روانی مرتکب را ثابت نماید. اما با تحولات سریعی که در سطح اجتماع از جمله صنعت، اقتصاد و ... رخ داد و به تبع قوانین و مقرراتی که در این زمینه به تصویب قانونگذاران رسید، حقوق دانان و در برخی موارد دادگاه‌ها با استدلال خود این جرایم را جرایم با مسئولیت مطلق قلمداد کرده‌اند بدون اینکه در قانون صراحتاً مطلق بودن مسئولیت قید گردد.

ولی با تمام مباحثی که پیرامون جرایم با مسئولیت مطلق وجود دارد، جرایم مذکور در ارکان اساسی و تشکیل دهنده جرم تفاوتی با سایر جرایم ندارند و فقط به دلیل فلسفه وضع این گونه جرایم با انتساب عنصر مادی به مرتکب، نیازی به اثبات عنصر روانی نیست. از طرفی، مسائلی مانند دفاعیات معقول و متناسب از جمله، عوامل رافع مسئولیت و موجهه جرم در این جرایم نیز قابل تحقق است؛ چراکه اگر غیر از این باشد، می‌توان گفت که حقوق کیفری با تمام تحولات و تغییراتی که در آن صورت گرفته است، باز به روند قبلی که در این حوزه وجود داشت، برگشته و یک «عمل مادی صرف» را مجازات می‌کند. همانند مجازات‌هایی که بعضاً در مورد حیوانات و حتی اشیاء و از آن مهم‌تر مجانین و کودکان صورت

می‌گرفت؛ بنابراین لزوم وجود عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق می‌تواند از بروز این گونه نظرات جلوگیری نماید. در غیر این صورت، مسائل حل نشده دیگری نیز در رسیدگی به این جرایم به وجود خواهد آمد که از جمله می‌توان به رسیدگی و مجازات معاون در این جرایم پرداخت؛ چراکه در این موارد، عنصر روانی نقش بسیار مهم و حتی تعیین کننده‌ای دارد، وحدت قصد معاون و مباشر چیزی نیست که با ارتکاب صرف یک عمل مادی بتوان به اثبات رساند.

باتوجه به آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که عنصر روانی در جرایم با مسئولیت مطلق همچنان در کنار عنصر قانونی و مادی سومین عنصر تشکیل دهنده این گونه جرایم است ولی با وجود این با ارتکاب عمل، نیاز به اثبات ندارد. از طرفی متهم نیز می‌تواند با ارائه دفاعیات متعارف و معقول از خود دفاع کرده و مانع محکومیت خود گردد.

از طرفی به نظر می‌رسد که مطلق بودن مسئولیت بیشتر یک امر شکلی است تا ماهوی. اگر قانونگذاران خواهان ایجاد یک نوع قاعده جدید در حوزه حقوق کیفری بودند، پس از گذشت بیش از یک قرن از تصویب قوانینی که به این عنوان شناخته می‌شوند، قطعاً همانند دیگر مسائل حقوق کیفری به تشریح این نوع جرم به صورت صریح می‌پرداختند. اما همان طور که گذشت تمام عقایدی که در این زمینه ابراز گردیده است، مستند به هیچ متن صریح قانونی نیست و فقط نمایانگر استنباط‌هایی است که از این گونه جرایم شده است.

در خصوص رسیدگی به جرایم علیه محیط زیست نیز باتوجه به نظام قانونی فعلی که جرایم را به عمدی و غیر عمدی تقسیم نموده است، مشکل بتوان رسیدگی‌های سریع و مؤثری را انجام داد. حمایت گسترده و بموقع از محیط زیست ایجاب می‌نماید که قوانین کاراتری در این زمینه تصویب شود. ایجاد مسئولیت مطلق برای مرتکبان این گونه جرایم می‌تواند موجب تسریع در روند رسیدگی‌های قضایی و به تبع انجام اقدامات سریع و بموقع باشد. بدین صورت که با ارتکاب جرایم محیط‌زیستی و با انتساب عنصر مادی به مرتکب، وی دارای مسئولیت باشد و مقام تعقیب نیازی به اثبات عنصر روانی وی نداشته باشد. از طرفی، امکان ارائه دفاع متناسب برای مرتکب وجود داشته باشد؛ چراکه عدالت ایجاب می‌نماید که افراد در صورت داشتن سوءنیت و یا خطای جزایی مورد سرزنش قرار گیرند و نه به خاطر انجام اعمالی که به هیچ عنوان خواست آنان نبوده، بلکه به دلیل وجود حوادث غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل پیشگیری و یا حتی خارج از اراده آنان صورت پذیرفته است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ پانزدهم. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۸.
- اردبیلی، محمدعلی. *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ بیست و یکم. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
- اردبیلی، محمدعلی. *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. چاپ سی و چهارم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- اردبیلی، محمدعلی. *حقوق جزای عمومی*. جلد دوم. چاپ سی و دوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳.
- استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنار بولوک. *حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)*. جلد اول. ترجمه حسن دادبان. چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۳.
- بوهلاندر، مایکل. *مبانی حقوق کیفری آلمان*. چاپ اول. ترجمه اصلی عباسی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰.
- پرادل، ژان. «اصول اساسی فرایند کیفری در فرانسه». ترجمه جواد تقی زاده. *فصلنامه حقوق اساسی* ۸ (۱۳۸۶): ۳۵۳-۳۵۹.
- تقی زاده انصاری، مصطفی. *حقوق بین الملل محیط زیست*. چاپ اول. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
- جانی پور، مجتبی و مراد عباسی. «بررسی مسئولیت مطلق از منظر حقوق کیفری و فقه امامیه با تأکید بر مسئولیت پزشک». *مجله فقه و حقوق اسلامی* ۶ (۱۳۹۲): ۵۳-۲۳.
- جوزی، علی، جاوید جعفرپور و فرشاد شعاریان. *حقوق محیط زیست*. چاپ اول. تهران: نشر علم کشاورزی ایران، ۱۳۸۹.
- چایلدز، پنی. *گزیده رویه قضایی انگلستان در امور کیفری*. چاپ اول. ترجمه آوا واحدی نوایی. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸.
- رحمدل، منصور. *بار اثبات در امور کیفری*. چاپ اول. تهران: نشر سمت، ۱۳۸۷.
- رمضانی قوام آبادی، محمدحسین. «پیشگیری و سرکوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمان های غیردولتی در نظام حقوقی ایران». *مجله حقوقی دادگستری* ۷۵ (۱۳۹۰): ۲۲۵-۱۹۹.
- سماواتی پیروز، امیر. «تأملی بر جرایم با مسئولیت مطلق در حقوق انگلستان». *مجله اصلاح و تربیت* ۵۵ (۱۳۸۵): ۳۱-۲۸.
- شیلتون، دینا و الکساندر کیس. *کتابچه قضایی حقوق محیط زیست*. چاپ اول. ترجمه محسن عبدالهی. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- صانعی، پرویز. *حقوق جزای عمومی*. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۱.
- صعیدی، یاسین. «نگاهی کوتاه به مسئولیت کیفری مطلق در حقوق کیفری انگلستان». *مجله حقوق: گواه* ۱۳ (۱۳۸۷): ۱۳۰-۱۲۹.
- عبداللهی، اسماعیل. *مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان*. چاپ سوم. تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.

- عوده، عبدالقادر. بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلام و قوانین عرفی (مجازات‌ها و اقسام آن). جلد دوم. چاپ اول. ترجمه حسن فرهودی‌نیا. تهران: نشر یادآور، ۱۳۹۰.
- غلامی، حسین. «سیاست کیفری سخت‌گیرانه». فصلنامه دانش انتظامی ۴ (۱۳۸۴): ۹۵-۱۲۱.
- عباسی، اصلی، مترجم. قانون مجازات آلمان. چاپ اول. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- فیض، علیرضا. تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- قاسمی، ناصر. حقوق کیفری محیط‌زیست. چاپ دوم. تهران: انتشارات جمال الحق، ۱۳۸۴.
- قبله‌ای، خلیل و حیدر فرهمندفر. «بررسی مسئولیت مطلق در حقوق کیفری». مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی ۵۱ و ۵۲ (۱۳۸۹): ۱۲۳-۱۳۶.
- کلارکسون، کریستوفر. تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی. چاپ اول. ترجمه حسین میرمحمد صادقی. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۰.
- گلدوزیان، ایرج. ادله اثبات دعوا. چاپ دوم. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.
- گلدوزیان، ایرج. حقوق جزای عمومی ایران. جلد دوم. چاپ اول. تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی ماجد، ۱۳۷۲.
- گلدوزیان، ایرج. محشای قانون مجازات اسلامی. چاپ سیزدهم. تهران: ناشر مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۶.
- میرخلیلی، سید محمود و ابوذر سالاری‌فر. «بازنگری رکن روانی جرم در جرایم زیستی و نگاه اسلام به آن». فصلنامه پژوهش‌های اعتقادی - کلامی ۲۸ (۱۳۹۶): ۱۸۲-۱۶۱.
- میرمحمد صادقی، حسین. حقوق جزای بین‌الملل. چاپ چهارم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
- میرمحمد صادقی، حسین. حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت). چاپ سی‌ام. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.
- نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ بیست و نهم. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.
- نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ دوم. تهران: ناشر کانون وکلای دادگستری مرکز، ۱۳۷۵.
- هرینگ، جانانان. مبانی حقوق کیفری انگلستان. چاپ اول. ترجمه امیر اعتمادی. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- واین، آر لفیو. عنصر روانی در نظام ایالات متحده آمریکا. چاپ اول. ترجمه فاطمه موسوی خوشدل. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
- ولیدی، محمدصالح. حقوق جزای عمومی. جلد دوم. چاپ دوم. تهران: ناشر دفتر نشر داد، ۱۳۷۲.

ب) منابع خارجی

Bell, John, Sophie Boyron and Simon Whittaker. *Principles of French Law*. Tehran: Nashre Dadgostar, 1380.

Elliot, Cathrine and Frances Quinn. *Criminal Law*. Tehran: Nashre Mizan, 2006.